

ابژه‌ها و تغییر مراسم دینی

مهری بهار*

پیر رب**

چکیده

در این مقاله، ابژه‌های مراسم دینی با پی‌گیری مراسم عزاداری در شهر تهران در قبل و بعد از انقلاب مقایسه شده است. پرسش اصلی در این مقاله چنین است: «آیا در مراسم عزاداری که بخشی از حوزه فرهنگی است در دوره‌ی معاصر تغییراتی صورت گرفته است یا خیر؟ چون ابژه‌های دینی صورت عینی مراسم عزا هستند، سؤال فوق به صورت دیگری نیز می‌تواند مطرح شود: «آیا ابژه‌های مادی در مراسم عزاداری در شهر تهران تغییر کرده‌اند؟» برای دستیابی به پاسخ مناسب به بررسی ابژه‌ها در مراسم عزاداری در شهر تهران پرداخته‌ایم و مقایسه‌ای میان دوران قبل و بعد از انقلاب به عمل آورده‌ایم. در این بررسی از روش اسنادی، مشاهده مشارکتی و مصاحبه، استفاده شده است. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که فرهنگ مراسم عزاداری در شهر تهران که ابژه‌ها مبین آن‌اند در حال تغییرند. ابژه‌های قدیمی از قبیل پرچم، کتیبه و منبر به عنوان ابژه‌هایی که در عزاداری گذشته نیز وجود داشتند، توانسته‌اند با پذیرش کارکردهای جدید در عزاداری دوران معاصر نیز مؤثر باشند. در کنار آنها ابژه‌های جدیدی نیز از قبیل عکس شهدا، متن شعارهای سیاسی، نوارهای صوتی و آلات موسیقی جدید با توجه به شرایط فرهنگی - اجتماعی جامعه، از جمله انقلاب اسلامی و جنگ ایران و عراق، وارد مراسم عزاداری شده‌اند. به لحاظ گستردگی مراسم عزاداری و تنوع ابژه‌ها در اینجا صرفاً بعضی از تغییرات مورد تأکید قرار گرفته‌اند.

واژگان کلیدی: تغییرات فرهنگی، مناسک و مراسم عزاداری، ابژه‌های مادی و غیر مادی، شهر تهران، مشاهده مشارکتی.

مقدمه

مطالعه‌ی تغییر نگرش‌ها، عقاید و باورها و مناسک دینی نزد اصحاب علوم مردم‌شناسی و جامعه‌شناسی و فرهنگ‌شناسی اهمیتی اساسی دارد. زیرا اگر چه مطالعه‌ی تمایز میان نگرش‌ها، عقاید و مناسک دینی موضوع در خور علم کلام و دین‌شناسی است اما نظر به اهمیت موضوع، هر یک از رشته‌های علوم اجتماعی نیز به مطالعه‌ی آنها همت گماشته‌اند و از روشهای خاص خود برای تحقیق سودجسته‌اند، به گونه‌ای که سنت قدرتمندی در علوم اجتماعی برای مطالعه‌ی این پدیده‌ها به وجود آمده است. موضوع تحقیق ما تغییر و تحول در نگرش‌ها و عقاید درباره‌ی مهمترین و زنده‌ترین مناسک دینی است که جایی بسزا در کنشهای دینی مردم ایران دارد، یعنی مراسم عزاداری ایام ماه محرم حسینی - دهه عاشورا. نظر به گستردگی موضوع، تحقیق خود را به مراسم عزاداری مردم تهران محدود کرده‌ایم. شناسایی وضعیت مراسم و میزان تغییر ایجاد شده در آن از طریق توجه به ابژه‌های مورد استفاده در مراسم پی‌گرفته شده است. از این رو، پرسش اساسی ما چنین است: "آیا مراسم عزاداری به عنوان بخش اصلی فرهنگ دینی - فرهنگ شیعی در ایران - در طول چند دهه اخیر تغییر یافته است؟" برخی در پاسخ به این سؤال معتقدند که از آنجا که از حیث ساختاری فرهنگ دینی بر جامعه ایران حاکم است، نگرش‌ها و عقاید درباره‌ی مراسم عزاداری کمتر دچار تغییر شده است و وجود ابژه‌های جدید در مراسم عزاداری، جزو عناصر نمودی آن بشمار می‌آید. این تغییرات اثر عمده‌ای بر مراسم ندارد و آثار آن موقتی و گذراست، زیرا که نظام معنایی مراسم عزاداری از اهمیت بیشتری نسبت به ابژه‌های آن برخوردار است. حاصل آنکه ابژه‌ها در مراسم عزاداری کمتر مورد اعتنا هستند و جامعه دینی به محتوای عزاداری توجه دارد نه به وجه نمودی آن. عده‌ای دیگر معتقدند که ابژه‌های دینی مهم‌اند و بخش عمده‌ی ساختار عزاداری و جلوه‌های فرهنگ دینی را تشکیل می‌دهند و در گذر زمان نیز تغییر یافته‌اند. در نتیجه ساختار مراسم عزاداری با تغییراتی که در تعداد، تنوع، و نقش و کارکرد ابژه‌ها صورت گرفته است، دچار دگرگونی شده است. اگر تغییری در ساختار مراسم عزاداری نسبت به گذشته - بیشتر منظور دوران قبل از انقلاب اسلامی است - صورت گرفته باشد آن گاه این پرسش مطرح می‌گردد که این تغییرات نمودی تا چه حدی به تغییرات ماهوی منجر شده است. اگر چنین تغییراتی صورت گرفته باشد بهتر آن است که نخست دگرگونیها در ابژه‌های عزاداری مورد تحقیق قرار گیرد، تا بعد از آن بتوان پرسش عمیق‌تر نسبت آن با تغییرات

ماهوی را پی گرفت. در نتیجه تحقیق در دگرگونی ابژه‌ها، یگانه راهی است برای پی گرفتن تحقیقات ماهوی. با مقایسه‌ی ابژه‌ها در قبل و بعد از انقلاب می‌توان دریافت که چه ابژه‌هایی تغییر یافته‌اند و چه ابژه‌های جدیدی وارد مراسم شده‌اند؟ آیا تنوع ابژه‌ها از ابعاد گوناگون به تغییر معانی انجامیده است یا خیر؟ و آیا ابژه‌های جدید که احتمالاً در نگاه نخست غیردینی می‌نمایند توانسته‌اند از حیث دینی کارکرد جدیدی بیابند؟

ابژه‌ها و فرهنگ عزاداری

ابژه‌ی فرهنگی از آن حیث که دارای وضوح و بداهت تصور می‌شود، کمتر مورد تحقیق قرار گرفته است. بالس با رویکرد روانکاوانه ابژه را "مصدق امیال" دانسته است (بالس ۱۳۸۱، ص ۴). در علوم اجتماعی سعی بر این است تا با تکیه بر وجه عینی و ملموس ابژه‌های فرهنگی و قرار دادن آن در عداد اشیاء، آنرا جزو فرهنگ مادی قلمداد کنند (رنجبر و ستوده ۱۳۸۰، ص ۴۷ و لوراگوران ۱۹۴۳، ص ۲۰۶). در علوم اجتماعی برخلاف روانشناسی و روانکاوی ابژه‌ها وجه عینی و تجسد یافته‌ی گرایش‌ها و امیال فردی نیستند. زیرا افزون بر فرد، گروه، نهادها و ساختارها نیز در ساختن ابژه‌ها مؤثرند. از طرف دیگر، ابژه‌ها مبین نگرش گروه‌های انسانی‌اند و نظام معنایی خاصی دارند.

تغییر در ابژه‌های مراسم عزاداری اعم از آنکه در متن صورت گرفته باشد یا در حاشیه حکایت از تغییر در نظام معنایی مرتبط با آن می‌کند. در این صورت، ابژه‌ها به خودی خود نمی‌توانند بازگوکننده کلیت مراسم عزاداری و فرهنگ دینی باشند. شناسایی تغییرات ابژه‌ها ما را به میزان تغییر در نظام معنایی مرتبط با آن رهنمون می‌شود. اما همان‌طور که گفته شد در این مقاله از ابژه‌های موجود در مراسم عزاداری و تغییرات آنها در دوره اخیر و میزان تغییرات آنها از حیث تنوع و کارکرد سخن خواهیم گفت.

در مراسم عزاداری جدید عناصری از ساختار قبلی حفظ شده است و در بعضی از عناصر تغییراتی ایجاد شده است. بنابراین بایستی معلوم شود که این تغییرات در چه سطحی انجام گرفته است و میزان آن تا چه حد است؟ آیا تغییراتی در نقش و کارکرد عناصر فرهنگی و مادی عزاداری نیز رخ داده است؟ آیا این تغییرات صرفاً برای انطباق عزاداری با شرایط جدید است؟ با تغییر در ابژه‌های عزاداری به چه میزان مراسم عزاداری فعلی در تهران از مراسم عزاداری در گذشته جدا و متمایز شده است؟

کارکرد ابژه‌ها در مراسم عزاداری

در مقاله حاضر از نظریه کارکردگرایی برای طرح پرسش اصلی سود برده شده است. برونیسلاو مالینوفسکی گفته است که در هر نوع فعالیتی کارکرد یک شیئی برآوردن نیازهای انسان است اعم از آنکه آن نیاز تکنیکی باشد یا حقوقی یا آئینی (مالینوفسکی ۱۳۷۹، ص ۱۹۲). با توجه به رویکرد کارکردگرایانه مالینوفسکی می‌توان گفت که ابژه‌ها به عنوان اجزای فرهنگ در مراسم عزاداری هر یک دارای کارکرد یا کارکردهایی هستند. هر کارکردی معطوف به نیازی خاص است که معنایش را از فرهنگ عزاداری کسب کرده است. بعضی از ابژه‌ها، کارکرد نمایشی و زیبایی شناختی و بعضی کارکرد پیام‌رسانی دارند و بعضی از آنها کارکرد گذشته خود را در مراسم عزاداری حفظ کرده‌اند. در این صورت یکی از راههای صورتبندی ابژه‌ها در مراسم عزاداری توجه به نقش و کارکرد آنها است. در ادامه به بیان اجمالی این صورتبندی می‌پردازیم:

۱. بقای کارکردی ابژه‌ها: بعضی از ابژه‌ها از حیث نیازی که به آنها احساس می‌شود دچار تغییر نشده‌اند و نقش و کارکرد خود را در کل مراسم عزاداری در طول سالهای متمادی همچنان حفظ کرده‌اند. مثلاً «منبر»، مثل گذشته در عزاداریها و مراسم سینه‌زنی و نوحه‌خوانی مورد احتیاج است و حضور آن همچنان به چشم می‌خورد. بعضی از هیأت‌ها صورت سنتی خود را حفظ کرده‌اند و بر ادامه سنت پافشاری کرده‌اند و سعی نموده‌اند ابژه‌های درون هیأت تقریباً دست نخورده باقی بمانند اما اغلب مشاهده می‌شود که به رغم این پافشاری‌ها ابژه‌ها بگونه‌ای آرام عوض می‌شوند، حتی ابژه‌های جدیدی وارد عزاداری می‌شوند و دست‌اندرکاران بدون آنکه خود متوجه شوند آنها را قبول می‌کنند. در بعضی از هیأت‌ها دست‌اندرکاران و مجریان خود به مشوقین اصلی ورود ابژه‌های جدید به عزاداری بدل می‌شوند. مثلاً کارکرد پرچم، علامت و آلات موسیقی در عزاداری جدید، تغییر کرده است.

۲. تغییر کارکردی ابژه‌ها: بعضی از ابژه‌ها به دلیل تغییر در نیاز فرهنگی و با توجه به شرایط جدید فرهنگی تغییر یافته‌اند. این تغییر به صورتهای گوناگون اتفاق افتاده است. بعضی از ابژه‌ها ضمن اینکه بیانگر عناصری از فرهنگ گذشته‌اند، وجه زیباشناختی نیز دارند که با ملاحظه کارکرد آنها می‌توان تغییرات مراسم عزاداری را پی‌گرفت. محمدمهدی فرقانی بکارگیری تکنولوژیهای جدید ابژه‌های ارتباطی برای انتقال و اشاعه‌ی پیام‌های سنتی را به عنوان یکی از دستاوردهای مهم ارتباطی انقلاب اسلامی مورد مطالعه قرار داده است (فرقانی ۱۳۷۴، ص ۳۸).

۳. تولید ابژه جدید بر اثر پیدایش نیاز جدید: بعضی از ابژه‌ها با توجه به شرایط جدید به وجود می‌آیند. پیدایش ضرورت‌های فرهنگی و اجتماعی جدید زمینه ساز تولید ابژه‌ی جدید است. به عنوان نمونه می‌توان به ابژه‌هایی اشاره کرد که برای نشان دادن مفهوم شهادت یا مظلومیت اسرا در جنگ ایران و عراق خلق شده‌اند. این ابژه‌ها عبارتند از *عکس شهدا* یا *تندیس آنها* که با رنگها و طرحها و متون جدید ارائه می‌شوند.

۴. براساس نظریه‌ای که ما اختیار کرده‌ایم زمینه‌ی بس مهم دیگر برای مطالعه‌ی ابژه‌ها، ناکارآمد شدن برخی از آنها و رانده شدن نشان به حاشیه است. برخی از ابژه‌هایی که به آنها اشاره خواهیم کرد شکل سنتی خود را از دست داده و شکلی امروزی‌تر به خود گرفته‌اند و این امر موجب تشریفاتی شدن آنها گردیده است مثل تغییراتی که در علامت صورت گرفته است، و آن را بیشتر به ابژه‌ای زیبا شناسانه بدل کرده است. برخی از ابژه‌های غیرمقدس نیز وارد مراسم شده‌اند همانند تنوع رنگها، متون غیرواقعی، موسیقی پاپ. گاهی اوقات نیز کل مراسم عزاداری با تمام عناصر و ابعاد آن کارناوالیزه شده است. همه‌ی این موارد موجب تغییر در کارکرد ابژه‌ها یا پذیرش نقش‌های جدید در مراسم عزاداری شده است.

نوع ابژه و نوع عزاداری

برای تدقیق مسأله تغییر ابژه‌های مادی در مراسم عزاداری باید انواع عزاداریهای مرسوم در بازار تهران مشخص گردد. از میان انواع عزاداری از قبیل روضه‌خوانی، سینه‌زنی، زنجیرزنی، قمه‌زنی و تعزیه‌خوانی اصلی‌ترین نوع عزاداری در بازار تهران، عزاداری روضه‌خوانی برای تحقیق بیشتر انتخاب شده است. زیرا این نوع عزاداری بیشتر در بازار تهران برپا می‌شود و از کهن‌ترین انواع عزاداری در بازار تهران است. در این نوع عزاداری نسبت به عزاداری‌های خیابانی ابژه‌های کمتری بکار برده می‌شود. لذا مطالعه آنها می‌تواند با دقت بیشتری انجام گیرد، زیرا تغییرات در این نوع عزاداری که عزاداری ساکن نیز هست دیرتر و سخت‌تر صورت می‌گیرد. اگر نشان دهیم که در این نوع عزاداری تغییری صورت گرفته است، حتی می‌توانیم نتیجه بگیریم که در دیگر انواع عزاداری تغییرات بیشتری پدید آمده است.

نتایج تحقیقی که محسنی و همکارانش انجام داده‌اند تأیید کننده ادعای این مقاله نیز هستند: «در نتیجه تحقیقی که بر رفتارهای مذهبی از جمله روضه‌خوانی شده است این بوده است که مجالس روضه‌خوانی یک مجلس مذهبی - توده‌ای است که قشر خاصی در آن شرکت

می‌کنند. جنسیت آنها بیشتر از مردان و آنها در سن خاص، معمولاً ۵۵ سال، می‌باشد» (محسنی ۱۳۷۹، ص ۲۸۳). در تحقیق دیگری که عباس عبدی و گودرزی انجام داده‌اند نتیجه‌ای مشابه بدست آمده است: اگر چه رفتن به مجالس روضه خوانی با کاهش روبروست (۱/۲۹ درصد)، اما در ایام مراسم حسینی در دهه تاسوعا و عاشورا غالب مردم در مراسم مذهبی شرکت می‌کنند (عبدی و همکارش، ۱۳۷۸، ص ۴۴).

در مطالعه مراسم عزاداری در بازار تهران از میان روش‌های متعدد، دو روش مورد استفاده قرار گرفته است: ۱) روش مشاهده مشارکتی: در این روش ضمن مشارکت در عزاداری روضه‌خوانی بازار تهران، به ثبت وقایع و عناصر آن نوع عزاداری پرداخته شده است. ۲) روش مصاحبه: در این روش با افراد با تجربه و کهنسال که سالیان زیادی در این نوع عزاداری‌ها مشارکت داشته‌اند و از قدیم تاکنون دست‌اندرکار برپایی هیأت‌های عزاداری بوده‌اند مصاحبه شده است و تغییرات ابژه‌ها از منظر آنها مورد بررسی قرار گرفته است. از این رو از اطلاعات مورد نظر از ۵۰ مصاحبه انجام شده با افراد درگیر در عزاداری در بازار تهران استخراج شده است. اطلاعات به دست آمده از مشاهده مشارکتی را نتایج مصاحبه‌های عمیق تأیید کرده‌اند.

از لحاظ روشی، اندازه‌گیری تغییر مراسم عزاداری در تهران با روش تجربی و با تأکید بر ابژه‌ها به عنوان عناصر مادی و قابل مشاهده فرهنگی صورت گرفته است. با وجود اینکه فرهنگ در اولین سطح آن امری است انتزاعی ولی کالاهای تولید شده فرهنگی اموری متعین و انضمامی هستند. بیتس و پلاک، فرهنگ را نه فقط الگوی رفتاری، بلکه الگوی اندیشه، مهارت‌ها و فنونی می‌دانند که در ساخت مصنوعات فرهنگی و تمدن بکار برده می‌شوند (بیتس و پلاک ۱۳۷۵، ص ۱۱۲). در این تعریف مصنوعات فرهنگی بخش عمده فرهنگ را تشکیل می‌دهند. از طرف دیگر آنچه جامعه می‌آفریند و به انسان وامی‌گذارد نیز فرهنگ نامیده می‌شود (اگ برن و نیم کوف ۱۳۷۵، ص ۱۳۳).

شناسایی سطح ذهنی فرهنگ بدون شناسایی سطح عینی آن ممکن نیست. ابژه‌ها به عنوان امور عینی فرهنگی اهمیت بسزایی دارند. به عبارت دیگر ابژه‌ها عناصر فرهنگ مادی هستند و کوچکترین واحد آن محسوب می‌گردند (رنجبر و ستوده ۱۳۸۰، ص ۴۷). به عنوان مثال در فرهنگ و مراسم عزاداری ابژه‌ها بیانگر معانی و دلالت‌های مورد نظر در فرهنگ دینی از قبیل شجاعت، شهامت، همبستگی، وفاداری، دین‌داری، صلح، جنگ، مبارزه با ظالم و جز آن هستند. این ابژه‌ها برای مدافعان و علاقه‌مندان قیام امام‌حسین(ع) و کسانی که با فرهنگ قیام سیدالشهدا(ع) خو کرده‌اند معنا دار و فهمیدنی‌اند: دست بریده، تشنگی، رنگ سفید و قرمز

پرچم، علمدار، مشک، چادر سیاه، خیمه، اسب و شتر، شمشیر، کلاه خود و سپر همگی دارای معانی هستند که در نظام فرهنگی عزاداری حسینی قابل فهم است.

شرایط و عوامل تغییر ابژه‌ها در مراسم عزاداری

بسیاری از ابژه‌هایی که در مراسم عزاداری در چند دهه اخیر بکار رفته‌اند دچار تغییر شده‌اند یا در حال تغییراند. در تغییر ابژه‌های مورد استفاده در مراسم عزاداری حسینی شرایط و عوامل متعددی دخیل بوده‌اند که به بعضی از آنها اشاره می‌شود:

۱. شرایط جدید پس از انقلاب اسلامی و جنگ هشت ساله موجب تغییر در ابژه‌های عزاداری شده است. زیرا در زمان اجرای مراسم عزاداری که مقارن با سالهای انقلاب و جنگ بوده است، رهبران و مردم این مراسم را با شرایط جدید انطباق داده‌اند.

۲. تکنولوژی‌های جدید رسانه‌ای از قبیل رادیو، تلویزیون، ماهواره، ویدئو و فیلم توانایی اثرگذاری بر افکار عمومی را دارند. رسانه‌ها می‌توانند موجب تقویت عقیده موجود، ساختن اندیشه و گرایش جدید و تغییر گرایش و نگرش جدید گردند (فرقانی ۱۳۷۹، ص ۴۸). از اینرو رسانه‌های فوق سهم عمده‌ای در تغییر ابژه‌های مورد استفاده در مراسم عزاداری داشته‌اند. تلویزیون با طرح ابژه‌های خاص به طور مؤثری در تغییر و تحول ابژه‌های سنتی مداخله کرده است. تلویزیون از طریق نمایش صورتها و جلوه‌های خاص مراسم عزاداری و تأکید بر بعضی از ابژه‌ها در مقایسه با ابژه‌های دیگر در تغییر ساختار صوری و معنایی فرهنگ عزاداری اثرگذار بوده است. این نوع اثرگذاری در فرآیند ترجیح‌گذاری معنایی صورت می‌پذیرد (فیسک ۱۳۸۱، ص ۱۲۵). به عنوان نمونه برنامه‌های تولید شده تلویزیونی از مراسم بر سهم خواننده، مداح، متن و آهنگ، لحن و شیوه اجرای مراسم جدید، به طور ناخواسته اثر می‌گذارد. از سوی دیگر، ورود رسانه‌های جمعی در میان مردم در حین اجرای مراسم سوگواری موجب شکل‌گیری نظم جدید و نورپردازی و استفاده از وسایل جدید می‌شود. رسانه‌ها به طور مستقیم و غیر مستقیم بر ساختار مراسم عزاداری اثر می‌گذارند و ابژه‌ها را تغییر می‌دهند.

۳. یکی از تحولات اجتماعی - فرهنگی دوران جدید که ابعاد مختلف جامعه‌ی عزاداران، منجمله ارزشها و آداب اجتماعی آنان را تحت تأثیر قرار داده است، دست‌اندرکاران اجرای مراسم عزاداری از قبیل مدیران، مؤسسان هیأت‌ها، روحانیون، و گروه‌های ذی نفوذ هستند. مجریان مراسم عزاداری در امر ورود ابژه‌های جدید یا تغییر آنها، تأثیر بسزایی گذاشته‌اند. نسل جوانی که

در مراسم عزاداری شرکت می‌کند ارزشهای جدیدی را وارد مراسم عزاداری می‌کند که نشان ویژگیهای همین نسل بر آن خورده است و مبین سلیقه‌ها و اعمال و رفتار آنهاست (اینگلهارت ۱۳۷۳، ص ۷۴).

۴. بخش دیگری از ابژه‌های موجود در مراسم عزاداری مربوط به نسلی است که تازه پا به میدان گذاشته است. افرادی که درگیر انقلاب و جنگ بوده‌اند ابژه‌های عزاداری را از منظری مشاهده می‌کردند و نسل جدید پس از جنگ آن را از دیدگاه دیگری مشاهده می‌کند، به گونه‌ای که می‌توان تغییر این گونه ابژه‌ها را بیشتر به تغییر نسلی مربوط دانست. نسل جدید با علائق و نگرشهای خود سعی می‌کند تا نیازهای خود را با وارد کردن ابژه‌های جدید که بهتر است آنها را ابژه‌های نسلی بنامیم برآورده سازد. کریستوفر بالس می‌گوید: زیور و شدن ابژه‌ها در مرحله پیشا-نسلی را می‌توانیم تا حدودی مشاهده نماییم. می‌توانیم ببینیم که ابژه‌های فرهنگی که بخشی از دیرینه‌شناسی ذهنیت نسلی‌اند چگونه زیور و شده‌اند (بالس ۱۳۸۱، ص ۱۰). بالس معتقد است که ابژه‌های نسلی پیوستگی تامی با هویت نسلی دارد. هر نسلی ابژه‌های نسلی، اشخاص، رویدادها و چیزهایی را برمی‌گزیند که برای هویت آن نسل دارای معنایی خاص است. اگر چه پیش می‌آید که ابژه‌های هر نسلی به طور بالقوه برای نسل دیگر هنوز واجد اهمیت‌اند (پیشین، ص ۱).

بر همین سیاق نسل جدید پس از انقلاب با تجربه جدید برخاسته از مسائل اجتماعی و دینی سعی می‌کند تا ابژه‌های جدیدی را وارد مراسم عزاداری کند. به عنوان مثال می‌توان به بعضی از ابژه‌های جدیدی که این نسل وارد مراسم عزاداری کرده است اشاره کرد: ورود رنگهای روشن و متنوع، مناظر طبیعی از قبیل گل و گیاه و تمثالهای متعدد از امام حسین (ع) و یاران او و روشن کردن شمع در حاشیه مراسم عزاداری، و جز آن.

به رغم آنکه عزاداری بازار تهران فضایی سنتی دارد که احترام به بزرگان و ریش سفیدان جزء ارکان آن است، نسل جوان با استفاده از ابژه‌های جدید در همین مراسم حاضر می‌شود و مناسبات اجتماعی جدیدی را وارد آن می‌کند. شیوع و رواج مفاهیم و ابژه‌های جدید از طریق این نسل، امکان‌پذیر شده است. بعد از انقلاب اسلامی، نسبت کسانی که زیاد به مجالس روضه‌خوانی می‌روند به موازات بالا رفتن سن افزایش می‌یابد و در مقایسه با تمام گروههای سنی، جوانان به میزان کمتری در این مجالس شرکت می‌کنند (عبیدی و گودرزی ۱۳۷۸، ص ۲۰). اما به رغم این حضور کم، جوانان با شور و اشتیاق، ابژه‌های نسلی خود را در مراسم عزاداری وارد می‌کنند. بطوریکه آهسته آهسته مدیریت و سامان دهی مجالس عزاداری تا اندازه

زیادی در دست این قشر از جامعه قرار می‌گیرد.

۵. نقش تولیدکنندگان ابژه‌ها: ابزار و وسایل مورد استفاده در مراسم عزاداری را افراد و گروه‌هایی با سلیقه‌های گوناگون تولید می‌کنند. تولیدکنندگان این وسایل با توجه به اهداف اقتصادی، میزان تخصص، و علائق دینی و تجربه کاری در تغییر ابژه‌ها مؤثر واقع می‌شوند. در گذشته ابزار و آلات مورد استفاده در مراسم عزاداری با دست تولید می‌شد. اینک با توسعه نظام تولید کارخانه‌ای اکثر وسایل عزاداری به طور انبوه تولید می‌شود. از اینرو نوعی جدایی میان تولید و مصرف این کالاها به وجود آمده است. تولیدکنندگان با توجه به تخصص و فهم خود از بازار به تهیه وسایل می‌پردازند. از این رو هر سال می‌توان ابژه‌های جدیدی در رنگ‌ها و اندازه‌ها متنوع در مقایسه با سالیان گذشته دید. این روند ناگزیر خواه ناخواه در تغییر ابژه‌های عزاداری دخالت می‌کند و لاجرم بر بعد هنری و زیبا شناسانه‌ی ابژه‌ها که متکی بر بازتولید مکانیکی هستند می‌افزاید.

تغییر ابژه‌ها

مراسم عزاداری به جهت اهمیت دینی، فرهنگی و اجتماعی آن همواره در ساختار اجتماعی ایران، حضور پایدار و گسترده‌ای داشته است و از حمایت بی‌شمار مردم شیعه ایرانی برخوردار بوده است. تغییر در آن نیز از همین منظر دارای اهمیت است. بررسی تغییر ابژه‌ها براساس این پیش‌فرض پی‌گرفته می‌شود که با وجود اهمیت دین و خاصه مراسم عزاداری در ایران، فرد بازاری توانسته است تغییر و تحولات عزاداری را به سبب فرصت شغلی خود که آشنایی با آخرین تولیدات صنعتی و صنعت فرهنگسازی را فراهم می‌سازد به راحتی بپذیرد و کمتر به مخالفت جدی و همه‌جانبه دینی با نوآوری در ابژه‌ها بپردازد. با آنکه فرد بازاری، زمانی که خود آگاه می‌شود از حیث ذوق سنتی خود تغییرات جدید را چندان خوش نمی‌دارد و در مقابل تغییر ارزشهای مراسم عزاداری مقاومت می‌کند و گاه واکنش نشان می‌دهد، ولی در زمینه بکارگیری ابژه‌های جدید بویژه زمانی که این جریان شدت می‌گیرد، چندان اعتنایی نمی‌کند. افراد و خاصه کسانی که در شبکه‌های اجتماعی درون بازار جایگاه مستحکمی دارند سعی می‌کنند تا ساختار عزاداری کمتر دچار تغییر بنیادی گردد، اما زمانی که سیلان تغییرات شدت می‌گیرد از مقاومت آنها کاسته می‌شود.

گفتیم که ابژه‌ها در عزاداری بسیار زیاد و متنوع‌اند. زیرا در ایران یک نوع عزاداری وجود

ندارد. انواع متنوع عزاداری با توجه به محل، زمان، افراد شرکت کننده، جنسیت (عزاداری زنان و مردان و ترکیبی)، تحرک و ثابت بودن و ملیت (عزاداری شیعیان ایرانی و غیر ایرانی) از یکدیگر قابل تفکیک است. در این مرحله صرفاً به معرفی ابژه‌های اصلی تر مورد استفاده در عزاداری‌های شهر تهران می‌پردازیم. در اینجا ابژه‌ها براساس نوع عزاداری، در جدول زیر نشان داده شده است:

جدول شماره ۱. رابطه انواع عزاداری و ابژه‌های آن

نوع ابژه	نوع عزاداری
۱- سینه زنی	پرچم، بیرق، بلندگو، پنجه، وسایل نقالی، گل، پارچه و جامه سیاه، پارچه سیاه، پلاکار، متن و غیره...
۲- زنجیرزنی	آلات موسیقی (طبل، زنجیر، سنج، شیبور، نی و...) زنجیر، جامه سیاه، علم، علامت، متن و غیره...
۳- روضه خوانی	منبر، کتیبه، بلندگو، لوازم پذیرایی (فرش، جای، منبع آب، مکان) سیستم صوتی، متن و غیره...
۴- تعزیه خوانی	شمشیر، زره، کشکول، اسب، پرچم، شیبور، طبل، خیمه، کلاهخود، پَر، تشت آب، متن و غیره...
۵. قمه زنی	کفن، قمه، گل، متن و غیره...

براساس اطلاعات موجود در جدول فوق ذکر چندین نکته قابل طرح است :

۱. بطور کلی در تمام انواع عزاداریهای ذکر شده، با وجود تفاوت‌ها در نوع عزاداری و سابقه آنها در استفاده از ابژه‌ها، شباهت‌های زیادی نیز میان آنها وجود دارد: لباس سیاه، پرچم و متن از نمونه ابژه‌های مشترک در این عزاداریها هستند. به طور مثال، پرچم، لوازم پذیرایی، متن، بعضی از وسایل موسیقی از قبیل سنج، طبل و لباس سیاه در همه انواع عزاداریها وجود دارد.
۲. هر کدام از این عزاداریها ابژه‌هایی خاص خود را نیز دارند. مثلاً در روضه خوانی، ابژه‌هایی که این نوع عزاداری را از انواع دیگر عزاداری می‌کند متمایز می‌کند عبارتند از: منبر، کتیبه، بلندگو و... به عبارت دیگر، ابژه‌ها بنا به ماهیت و نوع عزاداری انتخاب می‌شوند: زنجیر در زنجیرزنی، منبر در روضه خوانی و نوحه خوانی، شمشیر و شیبور و پَر در تعزیه خوانی.
۳. ابژه‌های بکار رفته در انواع عزاداری‌های ساکن از قبیل روضه خوانی با ابژه‌های عزاداری متحرک از قبیل سینه زنی و زنجیرزنی یا ابژه‌های عزاداری‌های ترکیبی (ساکن و متحرک) چون قمه زنی و تعزیه خوانی متفاوت‌اند. عزاداری در حال حرکت نیاز به وسایل موسیقی، علم، بیرق و پرچم دارد در حالی که در عزاداری ساکن بیشتر ابژه‌ها با توجه به محل استقرار عزاداری انتخاب می‌شوند. از این حیث وجود دیوار، محل استقرار، و مساحت مکان مورد استفاده تا حدود

زیادی تعیین کننده‌ی میزان و انواع ابژه‌ها هستند. نصب کتیبه بر دیوارها، استفاده از فرش و موکت، پارچه‌های سیاه به طور کلی، و دیگر پارچه‌های رنگی که شعارهای دینی و اجتماعی مربوط به قیام عاشورا بر روی آنها نوشته شده است و حاوی درسهایی برای امروزیان است در تکیه‌ها و مساجد مورد استفاده قرار می‌گیرد.

روضه خوانی عزاداری مرسوم در بازار تهران است که در مقایسه با تحولات گسترده‌ای که در عزاداریهای خیابانی صورت گرفته است تا حدود زیادی توانسته است ابژه‌های مورد استفاده خود از تغییر مصون بدارد. شناسایی تغییر ابژه‌های این نوع عزاداری از اهمیت بیشتری برخوردار است. به همین سبب مشخصات انواع ابژه‌های مورد استفاده در روضه خوانی به عنوان نوع اصلی عزاداری در بازار تهران در جدول زیر آورده شده است:

جدول شماره ۲. روضه خوانی و ابژه‌ها

مورد ابژه	علم	پرچم	بیرق	کتیبه	متن	سیستم صوتی
جنس	آهن	پارچه، چوب	پارچه، چوب	پارچه، چوب	کتاب	دستی
تعداد	وجود ندارد	معمولاً یک پرچم بلند و تخت و در جلوی دسته و دو پرچم لچکی در انتهای دسته	دو تا سه عدد	به تناسب محیط	محدود	معمولاً یک یا دو عدد
هزینه خرید	-	حمایت از طرف بازارها و افراد معمولی				
زمان استفاده	-	در مراسم عزاداری اول تا هفدهم محرم نگهداری شخصی در هیأت‌ها				
مکان استفاده	-	بازار تهران				
حوزه نگهداری	-	انبارهای درون بازار، اطاقهایی در درون مساجد، تکیه و امامزاده‌ها				

با فرض اینکه تمام ابژه‌ها به نحوی از انحاء متحول شده‌اند می‌بایست در مجالی دیگر در پی پاسخ به این پرسش مهم رفت که آیا تغییر ابژه‌ها توانسته است ساختار مراسم عزاداری را دچار تغییراتی کند یا خیر؟ استفاده از اطلاعات موجود در جدول زیر براساس مقایسه شرایط قبل و بعد از انقلاب اسلامی تهیه شده است و تفسیر آن می‌تواند ما را به تغییرات گفته شده رهنمون شود.

جدول شماره ۳. تغییرات ابژه‌ها در سینه‌زنی در مقایسه با قبل از انقلاب اسلامی

نوع ابژه	وضعیت ابژه‌ها قبل از انقلاب	کارکرد ابژه‌ها قبل از انقلاب	وضعیت ابژه‌ها بعد از انقلاب	کارکرد ابژه‌ها بعد از انقلاب
لیاس	رنگ سیاه و دیگر رنگ‌های تیره	برای شرکت در مراسم عزاداری	سیاه و رنگارنگ با مدل‌های جدید راه راه همراه با لباس مشکی با انواع پارچه و مدل‌ها	برای استفاده در مراسم عزاداری، سمبلیک، تزئینی
پرچم	محدود به رنگ‌های سبز، قرمز، سفید و سیاه	اعلام عزاداری	متنوع در رنگ‌های سبز، زرد، قرمز، سیاه و سفید و غیره	اعلام زمان عزاداری، نشانه هویت دسته‌های عزاداری، سمبلیک و تزئینی
بیرق	ساده و محدود	"	متنوع و زیاد	"
لوازم صوتی	ساده و دستی	انتقال صدا	اکو و الکترونیکی	انتقال صدا، تزئینی و وسیله تجملی
کتیبه	ادعیه فارسی و عربی	نشانه‌ی عزاداری	ادعیه فارسی و عربی	نشانه عزاداری نشانه سیاسی، مدرن و نهیجی
متن	مقتل خوانی	بادآوری حماسه کربلا و زندگی شهدا	متون سیاسی، مرثیه، مقتل خوانی، اشعار شعرای جدید	سمبلیک، حماسی، سیاسی و اجتماعی
سقاباشی	وجود داشت	نشانه‌ی تشنگی اصحاب و خدمت به مردم	تقریباً حذف شده	بیشتر سمبلیک
سابل روشنایی	محدود	روشنایی	تعداد آن زیاد	روشنایی و نورپردازی

با توجه به جهت‌گیریهای جدید در مراسم عزاداری می‌توان اجمالاً نتایج زیر را از این تحقیق استنتاج کرد:

(۱) تمام ابژه‌های عزاداری به نحوی از انحا در جریان تحولات جدید قرار گرفته‌اند. مثلاً رنگ و طرح پرچم تغییر یافته است و پرچم از ابژه‌ای دینی آهسته آهسته به ابژه‌ای تزئینی که

معرف هیأت خاصی است در حال تغییر است؛ یا منبر که زمانی فقط جایگاه وعظ دینی بود اکنون ضمن حفظ این جایگاه به مکان سخنرانی سیاسی و انتخاباتی نیز بدل شده است.

(۲) جنس ابژه‌ها نیز در حال تغییر است، مثلاً کتیبه یا پرچم که در قدیم از پارچه‌های مخمل با گلدوزی‌های متنوع تهیه می‌شد اکنون از پارچه‌های معمولی و رنگارنگ تهیه می‌گردد.

(۳) در گذشته در روضه‌خوانی از نور کمتری استفاده می‌شد در حالی که در حال حاضر از انواع و اقسام نورهای الکتریکی و نورپردازی‌های حرفه‌ای سودبرده می‌شود و هیأت‌ها نیز هزینه نسبتاً زیاد آن را متقبل می‌شوند.

(۴) کارکرد سقا‌باشی و سقایی در روضه‌خوانی جدید تقریباً حذف شده است. در عزاداری‌های گذشته از آنجا که سقایی مبین نقش علمدار کربلا بود که در جستجوی آب برای تشنگان دو دست خود را فدا کرد، اهمیت بسیاری داشت.

(۵) تولید ابژه‌ها کارخانه‌ای و طراحی پارچه‌ها کامپیوتری شده است زیرا که از حیث اقتصادی، اعم از خرید یا تعویض مقرون به صرفه‌تر است.

(۶) بیرق یا پرچم ضمن حفظ کارکردهای قبلی خود، کارکردهای جدیدی را نیز پذیرفته‌اند. پرچم در حال حاضر فقط ابژه‌ای برای نشان دادن جنگ کربلا نیست. پرچم با تحولات جدید ایران انطباق یافته است و نشان جنگ تحمیلی، انتخابات، گروه‌ها و دستجات مختلف است و گویی ابژه‌ای برای نشان دادن هویت گروهی نیز هست. مثلاً پرچم نشان صنف اجتماعی است. مثل صنف جواهرفروشان یا خیاطان. پرچم سن و موقعیت دستجات را تعیین می‌کند؛ مثل هیأت نوباوگان قنات آباد یا هیأت همدانی‌های مقیم تهران و جز آن.

(۷) بعضی از ابژه‌های خاص بعد از انقلاب اسلامی که با جنگ در ارتباط بود به حوزه روضه‌خوانی نیز وارد شده است. در حالیکه در گذشته کمتر میل و کششی برای ورود آنها به این نوع عزاداری خاص وجود داشته است. ظاهراً ورود آنها با این قصد بوده است که به ثبت وقایع مراسم پرداخته شود. ابژه‌هایی همانند عکس و فیلم وارد مراسم عزاداری شده‌اند و آهسته‌آهسته از دیدگاه زیبایی‌شناسانه به آنها برخورد می‌شود. فی‌المثل از میان عکسهای چندی که از مراسمی خاص گرفته شده است، برخی از آنها به سبب هنری بودن برگزیده می‌شوند و حتی جوایزی به آنها تعلق می‌گیرد. حضور این عناصر آنچنان قدرتمند شده است که آنها را در تراز ابژه‌های چند صد ساله عزاداری قرار داده است.

مؤخره

همانطور که در متن مقاله اشاره شد، قصد اصلی این تحقیق بیان وضعیت ابژه‌های مورد استفاده در مراسم عزاداری - روضه خوانی - برای نشان دادن میزان تغییر در آنها بوده است. مراسم عزاداری در ایران تا حدود زیادی از حیث صورت‌نمایشی و نمادین آن در قالب ابژه‌ها تبلور یافته است. ابژه‌ها مبین فرهنگ عزاداری حسینی هستند و نظام معناداری از فرهنگ دینی را تشکیل می‌دهند. ملاحظه تک تک ابژه‌ها می‌تواند یک یا چند کارکرد را پاسخ دهد و یک یا چند معنا را بیان کند، ولی مجموعه‌ی آنها نشان دهنده فرهنگ شیعی است. به عنوان نمونه، شمشیر، طبل، سنج، زنجیر و دیگر ابژه‌هایی که در حال حاضر در مراسم عزاداری به کار می‌روند. در ذهن شیعیان مبین جنگ معصوم با اشقیاست. ابژه‌های جدیدی نیز که وارد مراسم شده‌اند باید با توجه به همین امر مورد تفسیر قرار گیرند. آیا این ابژه‌ها با افزودن به ابعاد زیبایی‌شناسانه‌ی مراسم از ابعاد دینی آن کاسته‌اند یا برعکس با گذشت زمان می‌توانند به عظمت عزاداری بیافزایند. این مطلب نیازمند بررسی جامعی است که در این مقاله نمی‌گنجد.

مآخذ

- آگ برن و نیم کف (۱۳۴۴)، زمینه جامعه‌شناسی، ترجمه امیرحسین آرین پور، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول.
- دنیه سن، آنه ماری (۱۳۸۰)، درآمدی بر نشانه‌شناسی، ترجمه مظفری قهرمان، تهران، نشر پرسش.
- اینگلهارت، رونالد (۱۳۷۳)، تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی، ترجمه مریم وتر، تهران، انتشارات کویر.
- بالس، کریستوفر (۱۳۸۰)، «ذهنیت نسلی»، ترجمه حسین پاینده، فصلنامه‌ی ارغنون، شماره ۱۹، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- ریچاردز، بری (۱۳۸۰)، «کالاها و ایزدهای مسرت‌بخش»، ترجمه حسین پاینده، فصلنامه‌ی ارغنون، شماره ۱۹، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- بلوکباشی، علی (۱۳۷۹)، قالی شویان مناسک نمادین....، تهران، دفتر پژوهشهای فرهنگی تهران.
- پانوف، میشل و پرن، میشل (۱۳۶۸)، فرهنگ مردم‌شناسی، ترجمه اصغر عسگری خانقاه، تهران، نشر ویس، چاپ اول.
- گیرو، پی‌یر (۱۳۸۰)، نشانه‌شناسی، ترجمه‌ی محمد نبوی، تهران، نشر آگاه.
- فیسک، جان (۱۳۸۰)، «فرهنگ تلویزیون»، ترجمه مؤگان برومند - فصلنامه‌ی ارغنون، شماره ۱۹، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- کوش، دنی (۱۳۸۱)، مفهوم فرهنگ در علوم اجتماعی، ترجمه فریدون وحید، تهران، انتشارات سروش.
- استریناتی، دومینیک (۱۳۷۹)، مقدمه‌ای بر نظریه‌های فرهنگ عامه، ترجمه ثریا پاک‌نظر، تهران، نشر گام‌نو.
- عبدی، عباس و گودرزی، محسن (۱۳۷۸)، تحولات فرهنگی در ایران، تهران، مؤسسه پژوهشی فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- عسگری خانقاه، اصغر و شریف کمالی، محمد (۱۳۷۸)، انسان‌شناسی عمومی، تهران، سمت.
- فرقانی، محمد (۱۳۷۴)، «نمایه پژوهش»، سال چهارم، مؤسسه پژوهشی فرهنگ، هنر و

ارتباطات .

○ مالینوفسکی، برونسیلاو (۱۳۷۹)، *نظریه‌ای علمی درباره فرهنگ*، ترجمه عبدالحمید زرین قلم، تهران گام نو.

○ محدثی، جواد (۱۳۷۴)، *فرهنگ عاشورا*، تهران، نشر معروف.

○ رنجبر، محمود و ستوده، هدایت الله (۱۳۸۰)، *مردم‌شناسی متکی بر فرهنگ مردمی ایران*، تهران، انتشارات دانش آفرین .

○ محسنی، منوچهر (۱۳۷۹)، *بررسی آگاهی‌ها، نگرشها و رفتارها... در ایران*، تهران، مؤسسه پژوهشی فرهنگ، هنر و ارتباطات .

○ معینی علمداری، جهانگیر (۱۳۸۰)، *موانع نشانه‌شناختی گفتگوی تمدن‌ها*، تهران، انتشارات هرمس.

○ فرقانی، محمد مهدی (۱۳۷۹)، «درآمدی بر ارتباطات سنتی در ایران»، *نمایه پژوهش*، شماره ۱۶، مؤسسه پژوهشی فرهنگ، هنر و ارتباطات .

○ Baudrillard, J. (1972) *Pour une critique de l'économie politique du signe*. Paris: Gallimard.

○ Baudrillard, J. (1968) *Le système des objets*. Paris: Gallimard.

○ Boas, Franz (1940) *Race, Language and Culture*. London: Macmillan.

○ Conein, B., Dodier, N. et Thevenot, L. (éds) (1993) *Objets dans l'action*. De la maison au laboratoire. Paris: Ed. de la Maison des Sciences de l'Homme.

○ Coppens, Y. (1983) *Le signe, l'Afrique et l'homme*. Paris: Fayard.

○ Dumézil, G. (1966) *La religion romaine archaïque*. Paris: Payot.

○ Leroi, Gourhan (1964) *Le geste et la parole*, 2 Vol. I. Technique et langage, II. La mémoire et les rythmes. Paris: Albin, Michel.

○ Leroi, Gourhan, A. (1943). *L'homme et la matière*. Paris: Albin Michel .

○ Levi- Strauss, C. (1975) *La voie des masques*, 2 Vol Genève: Skira.

○ Mauss, M. (1950) *Essai sur le don, sociologie et anthropologie*. Paris: Puf, pp. 143-279.

○ Tolra, P.L. , Warnier, J.P. (1993) *Ethnologie, Anthropologie*. Paris: Puf.

○ Warnier, J.P. (1999) *Construire et culture materielle*. Paris: Puf.